

## مبانی، اصول و روشهای تربیت اخلاقی در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)

معصومه صمدی\*

مهدی دوایی\*\*

طاهره اقبالیان\*\*\*

پذیرش نهایی: ۹۲/۲/۳۰

دریافت مقاله: ۹۱/۷/۱۲

### چکیده

هدف این پژوهش بررسی مبانی، اصول و روشهای تربیت اخلاقی در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) است. نوع این پژوهش کیفی است. برای رسیدن به هدف پژوهش از روش تحلیلی - اسنادی استفاده شده است. به منظور جمع آوری اطلاعات در مورد عوامل پژوهش یعنی اخلاق، تربیت اخلاقی، سیره پیامبر و اهل بیت، اصول، مبانی و روشهای تربیت اخلاقی از تمام کتابهای روایی، تاریخی و پژوهشها در این زمینه بهره گرفته شده است؛ بدین معنی که ابتدا به شناسایی و گردآوری منابع مورد نیاز همراه با فیش برداری و ثبت موضوعات مورد نظر پرداخته شد؛ سپس داده ها طبقه بندی و در نهایت مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها حاکی است که در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) سه مبنا استنباط، و از هر مبنا یک اصل و از هر اصل دو روش استخراج شده است که جداگانه به آنها پرداخته شد. مبنای اول هماهنگی عقل و وحی است. اصل ناظر بر این مبنا تعامل تفکر اخلاقی و تعبد اخلاقی است و روشهای ناظر بر این اصل نیز تبیین ارزشهای اخلاقی و مبارزه با هوای نفس است. مبنای دوم هماهنگی دین و اخلاق است. اصل ناظر بر این مبنا درهم تنیدگی تربیت اخلاقی و تربیت دینی است و روشهای ناظر بر این اصل پاک کردن محیط مظاهر فساد و امر به معروف و نهی از منکر (ایجاد فضای اخلاقی) است. سومین مبنا هماهنگی حسن فعلی و حسن فاعلی است. اصل ناظر بر این مبنا تعامل انگیزه و عمل است و روشهای ناظر بر این اصل تحریک ایمان و اعتقادات دینی مترقیان و پرورش میل و اشتیاق در به دست آوردن فضیلتها و توانایی مخالفت با رذیلتهاست.

**کلید واژه‌ها:** مبانی و اصول در تربیت اسلامی، روش و تربیت در آموزش و پرورش، سنت و سیره معصومین دینی، آموزش و پرورش دینی

[msamadi81@yahoo.com](mailto:msamadi81@yahoo.com)

\* استادیار پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

[Davaee@yahoo.com](mailto:Davaee@yahoo.com)

\*\* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

\*\*\* نویسنده مسئول: کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

[t.eghbalian1390@yahoo.com](mailto:t.eghbalian1390@yahoo.com)

## مقدمه

در عصری زندگی می‌کنیم که انحطاط اخلاقی زیادی گریبانگیر جوامع شده و از سویی در اثر پیشرفت صنعت و فناوری و ارتباطات نزدیک ملتها همه چیز در همه جا در دسترس همه کس قرار گرفته است؛ به همین دلیل «مفاسد اخلاقی» نیز بسیار گسترش پیدا کرده و مرزها را در هم شکسته و تا اقصی نقاط جهان پیش رفته تا آنجا که صدای بنیانگذاران مفاسد اخلاقی نیز در آمده است. بی‌اعتنایی به ارزشهای اخلاقی و کمرنگ شدن آن در تربیت نسل جدید نیز به چشم می‌خورد و یکی از مهمترین دلایل این معضلات، نپرداختن متفکران و اندیشمندان تعلیم و تربیت به مسائل ارزشی و اخلاقی است.

اهمیت اخلاق و تربیت اخلاقی به اسلام و جامعه‌های اسلامی اختصاص ندارد. تجربه نشان داده است که انسان، خواه به دینی آسمانی متدین باشد یا نباشد، هیچ‌گاه حتی در دوره مدرن و پسا مدرن از تربیت اخلاقی بی‌نیاز نیست. در دوران معاصر در کشورهای غربی به دنبال پیشرفتهایی که در زمینه علوم تجربی به دست آمد بتدریج اصول اخلاقی و توجه به فضایل و به دنبال آن توجه به تربیت اخلاقی، کمرنگ شده است.

انسان، که در نظام آفرینش جایگاه ویژه‌ای دارد و به لحاظ تکوینی در جهت دستیابی به کمال از وجود نیروهایی چون قوه عقل و خرد و اراده برخوردار است، تکامل او به وجود قوای تکوینی و طبیعی در وی منحصر نمی‌شود. بلکه او موجودی است که روح الهی در او دمیده شده؛ و قوای ذکر شده فقط لازمه سیر او به مدارج عالی کمال است و برای به فعلیت رساندن این قوا یعنی تخلق انسان به اخلاق الهی و کمالات متعالی انسانی به عنصر تشریح نیاز دارد و مهمترین ویژگی اسلام و پرورش اخلاقی انسانها غنای کامل این مکتب به همه ابزار و لوازمی است که برای این رشد و اعتلا ضرورت دارد. اسلام به عنوان دینی همه جانبه و چند بعدی، اساس و مبانی تربیت اخلاقی خود را بر پایه اعتقاد و ایمان به ذات اقدس خداوندی قرار داده و اصلاح اخلاقی انسانها و مبارزه با مفاسد اخلاقی را از مهمترین اهداف پیامبران بر شمرده است (بناری، ۱۳۷۹).

مکاتب مختلف به دلایل متعددی چون محدودیت دایره علم و آگاهی، ویژگیهای شخصی و شخصیتی بنیانگذاران آن مکاتب، وضعیت و مقتضیاتی که اطراف آنها را فرا گرفته، هر کدام به انسان از دیدگاهی نگرینسته، و بر آن اساس قالبی بر او ساخته اند. در نگرش اسلامی جهان هستی،

طبق «حکمت بالغه الهی» عالم بروز شایستگی‌ها و کمالها است و هر موجودی به تناسب ظرفیت وجودی خویش، جلوه‌های حقیقی خود را در عرصه هستی آشکار می‌سازد و در حد امکان نیروها و قوای ذاتی را به فعلیت می‌رساند؛ به تعبیری دیگر تمام هستی خود را نشان می‌دهد (امین، ۱۳۷۶: ۲۳۱).

خداوند در قرآن کریم فرموده است: «خداوند بر مؤمنان منت نهاد از این رو رسولی را از خود آنها بسویشان فرستاد تا آیات الهی را برایشان تلاوت، و نفس آنها را تزکیه کند و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد؛ هم آنهایی که پیش از این در گمراهی آشکار بودند» (شمس/۹). نکته‌ای که در این آیه مشهود است اینکه خداوند در برابر نعمتهایی که به بندگان خود عطا کرده در هیچ مورد منت نگذاشته است؛ منت گذاشتن در زمینه فرستادن پیامبران به دلیل امر مهم تربیت و سازندگی بیانگر ممتاز بودن این موضوع است.

پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) نیز می‌فرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۴۳۴): «من برانگیخته شدم تا کرامت اخلاقی را در شما تکمیل کنم». هم‌چنین فرموده است: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ حُسْنَ الْأَخْلَاقِ» (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۴۳۶): «من مبعوث شدم تا اخلاق نیکو را تکمیل کنم».

پیامبر اکرم (ص) وجود عینی قرآن کریم است که با رفتار و گفتار خود، آیات الهی را به منصف ظهور رسانده است؛ لذا سنت نبوی، همسنگ قرآن عظیم، اولین بنا در بنیان رفیع فرهنگ و نظام تربیت اسلامی به شمار می‌رود. خداوند در سوره احزاب، پیامبر اسلام (ص) را الگوی مناسبی برای انسانها معرفی کرده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب/۲۱) و این معرفی در واقع بیان بزرگترین تفاوت مکتب انبیا و غیر آن است؛ چرا که مکتب پیامبران از ویژگی عملی بودن و توجه به عینیت داشتن برخوردار است.

بررسی تاریخ زندگی پیامبر (ص) نشان می‌دهد که ایشان در کار تربیت بسیار موفق بوده‌اند. در عصر ایشان بسیاری از ابزارهای تربیتی مانند مدرسه و کتاب درسی و غیره وجود نداشت؛ روشهای آموزش، شیوه‌های تدریس، برنامه‌های درسی و علوم مرتبط با آموزش و پرورش، معلمان ورزیده و تربیت معلم در کار نبود؛ با وجود این، ایشان توانستند آموزه‌های اسلام را در مدتی کوتاه به مردم بیاموزند و از آنان افرادی مؤمن و ملتزم به باورها، اخلاق و احکام دینی بسازند.

اهل بیت پیامبر (ص) نیز مریبان بزرگ و موفق بوده‌اند و مهارت آنان در هدایت و تربیت

اخلاقی ستودنی است؛ گاه با گفتن یک جمله، مسیر زندگی فرد را دگرگون می‌کردند. سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) منبعی غنی برای استخراج آموزه‌های تربیتی بویژه تربیت اخلاقی است که با مطالعه آن می‌توان نکات تربیتی ارزشمندی را استخراج کرد و در اختیار مربیان قرار داد.

بنابراین چنانچه مبانی و اصول تربیت از آموزه‌های والای پیامبر اکرم(ص) بدرستی تحلیل و تبیین شود، می‌تواند مناسبترین نمونه برای عملکردهای تربیتی جامعه اسلامی ما تلقی شود. با دقت و تأمل در احادیث و روایات بسیاری که از سیره و سنت نبوی به دست ما رسیده است، می‌توان به استخراج مبانی و اصول مناسبی برای تربیت اقدام کرد.

اهمیت تعلیم و تربیت بویژه تربیت اخلاقی اگر چه بدیهی است در این مقطع زمانی خاص از تشخیص ویژه‌ای برخوردار شده، و این بدان دلیل است که تحولات فرهنگی و دگرگونی سامانه ارزشها نیاز به نظام تربیتی منطبق با این تغییر و تحولات را هرچه بیشتر آشکار ساخته است. به طوری که اگر انسان تربیت اخلاقی نداشته باشد، هر چند در سایر جنبه‌های تربیت مثل عقلانی، جسمانی و اجتماعی و ... پیشرفت کرده باشد، موفقیت لازم را به دست نخواهد آورد و دچار عدم توازن خواهد شد. چه بسا غفلت از تربیت اخلاقی، باعث از بین رفتن آثار مثبت دیگر جنبه‌های تربیت خواهد شد. بر این اساس آگاهی از مبانی، اصول و روشهای تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) ضرورت می‌یابد. بنا بر این سؤالی که در این پژوهش مطرح است این است که: سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) بر چه مبانی مبانی و اصولی استوار، و روشهای آنان در تربیت اخلاقی چگونه بوده است؟

## اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش «بررسی مبانی، اصول و روشهای تربیت اخلاقی در سیره پیامبر(ص) و

اهل بیت(ع) است». اهداف ویژه عبارت است از:

- بررسی مبانی تربیت اخلاقی در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع).
- بررسی اصول تربیت اخلاقی در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع).
- بررسی روشهای تربیت اخلاقی در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع).

### سؤالات پژوهش

- تربیت اخلاقی در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) بر چه مبانی استوار است؟
- اصول تربیت اخلاقی در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) چیست؟
- روشهای تربیت اخلاقی در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) کدام است؟

### روش پژوهش

نوع این پژوهش، کیفی، و در آن از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است؛ زیرا از طرفی در پی توصیف و شناخت وضع موجود (توصیف) و از سوی دیگر در پی تحلیل مفاهیم و کشف عناصر و مفاهیم اصلی است. در روش تحلیلی فلسفی هدف فهم و بهبود بخشیدن به مجموعه مفاهیم یا ساختار مفهومی است که بر حسب آنها تجربه، تفسیر، مقاصد، بیان شود و مسائل ساخت بندی گردد. در این پژوهش از تحلیل مفهومی که به فراهم آوردن تفسیرهای عینی ناظر است، استفاده شده است. قصد تحلیل مفهومی با رویکرد فلسفی، تشخیص درستی یا نادرستی مفهوم نیست بلکه بیشتر به توصیف آن می پردازد (کومبز و دانیل<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱: ۱۱۲).

منابع جمع آوری اطلاعات، منابع روایی، تاریخی و تفسیری بویژه تفسیرهای مبتنی بر روایات برای جمع آوری سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) بوده است. این منابع به ما در دستیابی به موضوعات مطرح در تربیت اخلاقی و نظریات رایج درباره هر یک از این موضوعات یاری می کند. جامعه تحلیلی این پژوهش تمام کتابهای اسلامی (اعم از منابع دست اول و دست دوم) در زمینه موضوع پژوهش بوده است. نمونه پژوهش تمامی مواردی است که پژوهشگر به لحاظ موضوعی و مفهومی می توانسته است به آن دسترسی داشته باشد. در پژوهش کیفی داده ها به طور مستمر تحلیل و تفسیر می شود. در این پژوهش ضمن مطالعه مستمر ابتدا همه داده ها جداگانه مقوله بندی، و به دنبال آن مقوله های مورد مطالعه کد گذاری، دسته بندی، مقایسه شد و پس از آن مورد تفسیر قرار گرفت.

---

1 - Combs & Daniel

### یافته‌های پژوهش

در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) تربیت اخلاقی به معنای مجموعه اقداماتی است که به منظور آموزش اصول و پرورش فضیلت‌های اخلاقی و فاصله گرفتن از رذیلت صورت می‌گیرد؛ از این رو این اقدامات عمدتاً ماهیتی توحیدی دارد و در سامان دادن به رابطه انسان با خداوند متعال مؤثر است؛ چرا که وقتی رابطه انسان با خداوند اصلاح شود، زندگی دنیوی و اخروی انسان نیز اصلاح خواهد شد (طباطبائی، ۱۳۷۵: ۲۱۳). بررسی سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) نشان می‌دهد که نه تنها آنان به فضیلت‌های اخلاقی و رذیلت‌های اخلاقی توجه کرده، و پیروان خود را به فضایل دعوت و از رذایل باز می‌داشته‌اند، بلکه این امر مورد توجه همه پیامبران الهی بوده است.

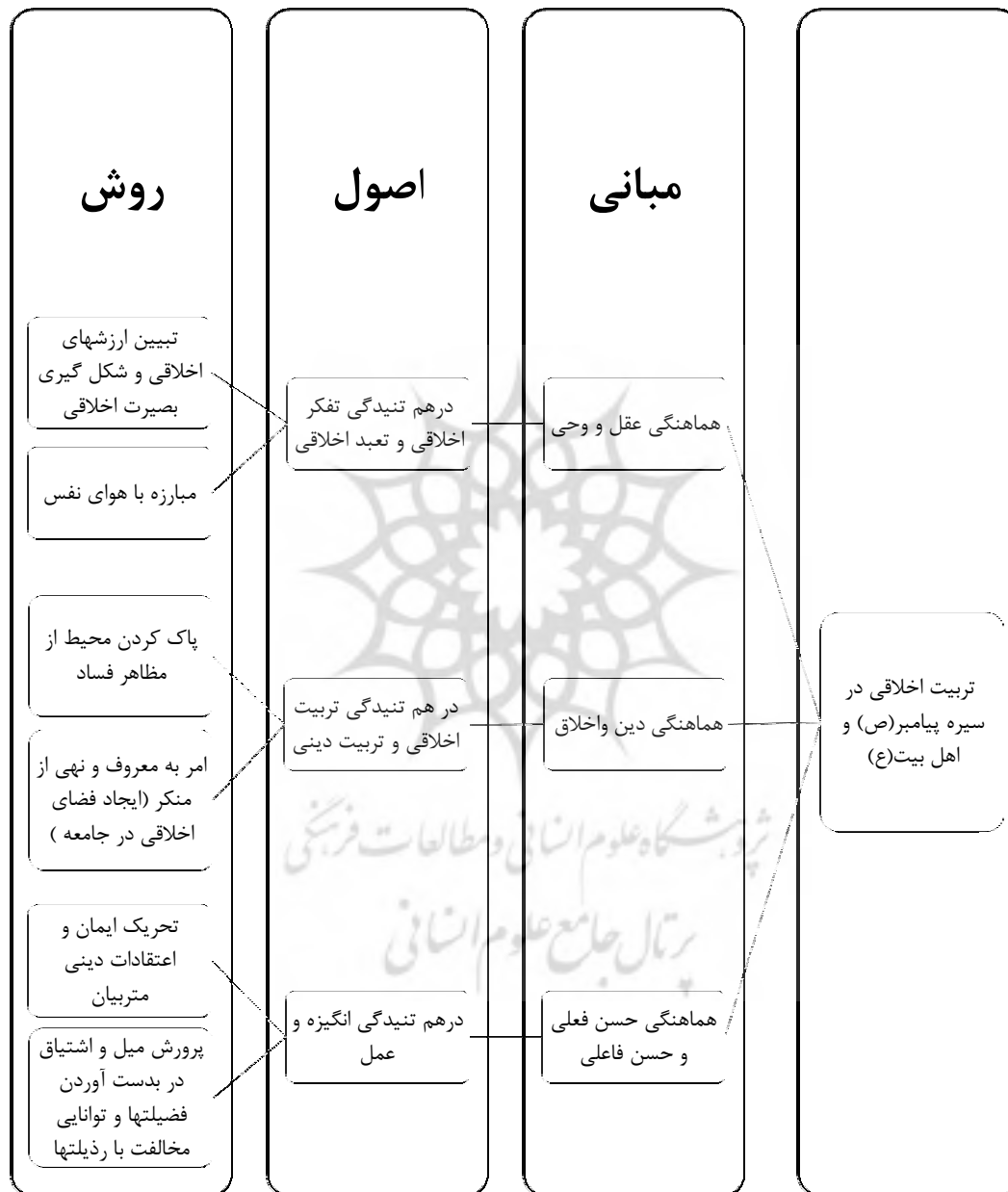


نمودار ۱ - استنتاج مبانی، اصول و روش

به منظور استخراج مبانی، اصول و روش‌های تربیت از سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)، لازم است ابتدا تعریفی از مبانی، اصول و روش عرضه، و سپس به معرفی مبانی، اصول و روش‌های استنباط شده اقدام شود. در تعریف مبانی لازم به ذکر است که مبانی، مجموعه قانونمندیهای شناخته شده در علوم نظری است که آموزش و پرورش بر آن تکیه دارد و بر یکی از ویژگیهای عمومی انسان ناظر است. این ویژگیها اولاً در مورد عموم انسانها صادق و ثانیاً به شکل قضایای حاوی "است"، قابل بیان است. اصول قواعد کلی مستخرج از مبانی است؛ به عبارت دیگر اصول

مجموعه قواعدی است که با نظر به این قانونمندیها (مبانی) اعتبار می شود و راهنمای عمل قرار می گیرد. اصل معیار و قاعده کلی است که با در دست داشتن آن، می توان در رویارویی با وضعیت پیچیده تر و تازه تر با نظر به اقتضای معیار به ابداع روشهای تربیتی مناسب اقدام کرد. بنابراین، اصول بر مبانی تکیه دارد (باقری، ۱۳۷۹: ۸۴). اصول در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) به منزله ابزار کار مریبان است که مریبی با استفاده از آن می تواند بموقع و در عین حال با روشن بینی کافی تصمیم بگیرد. اصول مبنای استخراج "روشهای تربیتی" است. روشها بر اصول مبتنی، و روش دستورالعمل جزئی است که برای ایجاد تغییرات مطلوب مورد استفاده قرار می گیرد. از این رو از بررسیهای عمیق تربیت اخلاقی در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) سه مبنا استنباط، و از هر مبنا یک اصل و از هر اصل دو روش استخراج شده است که جداگانه به آنها پرداخته خواهد شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



نمودار ۲ - مبانی، اصول و روشهای استنتاج شده از سیره پیامبر(ص) و اهل بیت (ع)



## مبانی، اصول و روش استنباطی از بررسی سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)

## مبنای اول - هماهنگی عقل و وحی

عقل و وحی هر دو در تشخیص ارزشهای اخلاقی و رفتار شایسته و ناشایست نقش دارند؛ هم‌چنین گرچه عقل توانایی برخی قواعد کلی اخلاقی را دارد در تشخیص مصداقهای قواعد کلی و تطبیق آنها بر موارد و اوضاع و احوال خاص و نیز در تشخیص قواعد جزئی تر اخلاقی به وحی نیازمند است؛ بدین ترتیب در سیره معصومان (ع) عقل و وحی مکمل یکدیگر، و انسان برای شناخت خوب از بد به عقل و وحی هر دو نیازمند است. عقل اصول و ارزشهای کلی اخلاقی را به ما می‌شناساند و وحی تفصیل آنها و جزئیات آنها را در موارد مختلف اوضاع و احوال زندگی بیان می‌کند. افزون بر این، وحی در مقام عمل، حامی اجرای ارزشهای اخلاقی است.

این اصل همواره مورد توجه فیلسوفان مسلمان نیز قرار داشته است؛ از باب مثال، خواجه نصیرالدین طوسی یادآور می‌شود که شأن نخست عقل این است که برخی فضایل و رذایل را یادآور شود (طوسی، ۱۳۶۹: ۱۵۶) لازم به ذکر است که عقل بشری به تنهایی نمی‌تواند راه درست را از باطل تشخیص دهد و به ناچار برای دستیابی به این هدف باید دست مسئلت به سوی وحی دراز کرد و با شاگردی در مکتب پیامبران الهی، راه رسیدن به سعادت را آموخت. در روایات متعددی بر این مطلب تصریح شده که خداوند برای هدایت انسان به سعادت، دو حجت قرار داده است: عقل و شرع.

امام صادق (ع) خطاب به هشام می‌فرماید: «ای هشام، خداوند بر مردم دو حجت قرار داده است: حجت ظاهر و حجت باطن. حجت ظاهر، پیامبران و امامان علیهم السلام هستند و حجت باطن، عقل مردم است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۶).

در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «ابن سکیت از امام (ع) می‌پرسد، امروز حجت خدا بر مردم چیست؟ امام (ع) در پاسخ می‌فرماید: عقل با آن نسبتهای درست به خداوند شناخته و تأیید می‌شود و نسبتهای دروغ به خداوند نیز شناخته و تکذیب می‌شود. ابن سکیت گفت: به خدا سوگند، جواب همین است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۲۵).

در این روایت به رابطه عقل و وحی پی می‌بریم که عقل به عنوان منبعی مستقل از وحی نمی‌تواند همه دستورهایی لازم برای هدایت انسان به سعادت واقعی را کشف و بیان کند؛ بلکه تنها

با استناد به اصولی کلی می تواند انسان را به سوی دین صحیح هدایت و دستورهای واقعی دین را از دستورهای جعلی و تقلبی بازشناسی کند. با توجه صحیح هدایت و دستورهای واقعی دین را از دستورهای جعلی و تقلبی بازشناسی می کند. (مازندرانی، ۱۰۸۱ق، ج ۵: ۶۶).

### اصل اول - درهم تنیدگی تفکر اخلاقی و تعبد اخلاقی

اصل ناظر بر هماهنگی عقل و وحی، پرورش تفکر و تعبد اخلاقی است. تفکر اخلاقی به معنای رشد دادن و تقویت توانایی اندیشه اخلاقی و تصمیم گیری درباره مسائل اخلاقی است. تعبد اخلاقی به معنای رشد دادن و تقویت روحیه تسلیم و پیروی از دستور الهی در مسائل اخلاقی است. در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) تفکر و تعبد، نه متضاد، بلکه مکمل یکدیگر است؛ زیرا هر یک از این دو نقش و کارکرد جداگانه ای دارد. نقش و کارکرد عقل این است که اولاً اصول و خطوط کلی فضیلتها و رذیلتها و رفتارهای شایسته را برای ما مشخص می کند. ثانیاً از آنجا که عقل نمی تواند همه مصداقهای رفتارهای پسندیده را در تمام موقعیتها تشخیص دهد، انسان را برای تشخیص خوب از بد و زشت از زیبا به سوی وحی الهی و دین، که توانایی تشخیص همه مصداقهای خوب از بد و زشت از زیبا را در تمام موارد دارد، راهنمایی می کند. ثالثاً عقل پس از دریافت هدایت الهی به انسان در درک و فهم صحیح دستور اخلاقی دین و نیز در تطبیق آنها بر موارد و موقعیتهای مختلف یاری می کند. پس از دریافت دستور الهی و شناخت آن، نوبت تعبد و پیروی از آن است و انسان نمی تواند به بهانه های واهی از پذیرش و تسلیم در برابر آن سر باز زند (مدرسی، ۱۳۷۱: ۷۶).

به این روایت توجه شود: امام صادق (ع) در حدیثی طولانی می فرماید: «اول و اصل و مایه تقویت و آبادانی هر چیز که انسان بی آن از هیچ چیز سود نمی برد، عقل است که درک می کند آفریننده خود را و اینکه خودشان آفریده شده اند و اینکه خداوند مدیر آنان نیکو را از زشت باز می شناسد و در می یابد که تاریکی در جهل و روشنائی در علم ریشه دارد؛ این چیزی است که عقل آنها را به آن راهنمایی کرده است به امام گفته شد: آیا بندگان خداوند می توانند به عقل بسنده کنند؟ امام (ع) فرمود: عاقل یا راهنمایی عقل که خداوند آن را مایه قوام و زینت و هدایت او قرارداد است، در می یابد که خداوند حق است و تنها او پروردگار اوست و در می یابد که آفریننده او محبت و کراهتی و طاعت و معصیتی دارد؛ پس عقلش او را به این راهنمایی می کند و می داند که جز با علم و جستجو به آنها پی نمی برد و می داند که اگر با علم به اراده و کراهت و

طاعت و معصیت خداوند پی نبرد، از عقلش نیز سودی نمی برد؛ از این رو، جستجوی علم و ادب که جز به آنها برپا نیست برعقل لازم است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۹).

مطابق این روایت، انسان با کمک عقل، خدا را می شناسد؛ چنانکه به وسیله عقل خوب را از بد و زشت را از زیبا تشخیص می دهد؛ با وجود این از راهنماییهای الهی بی نیاز نیست و به همین سبب انسان به یاری عقل در می یابد خداوند طاعت و معصیت و امر و نهی های دارد و برای دست یافتن به دستور خداوند باید به وحی روی آورد و در مکتب پیامبران زانوی شاگردی بزند. بنابراین، مطابق این روایت، عقل نه تنها با وحی تعارضی ندارد، بلکه مکمل آن است؛ زیرا خود عقل انسان را به وحی هدایت می کند.

بنابراین در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) تفکر و تعبد در تربیت اخلاقی لازم و ملزوم یکدیگر است. کسی که توانایی تفکر و درک و فهم اخلاقی ندارد، ولی به دستوراخلاق دین متعبد است، سر از قشری گری و تحجر و خرافات در می آورد و در مقابل کسی که از فهم و درک اخلاقی برخوردار است ولی به دستور اخلاقی دین متعبد نیست، سرنوشتی جز لابلگیری اخلاقی و گمراهی نخواهد داشت (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۴ ق: ۲۲۵).

در اینجا تذکر این نکته لازم است که تعبد به دستور اخلاقی خداوند در صورتی پسندیده است که شخص با استفاده از روشهای معقول و پذیرفته شده مطمئن شود که آنچه می خواهد به آن تعبد بورزد، واقعاً دستور خداوند است؛ بنابراین تا شخص به این نتیجه نرسیده باشد، تعبد به دستور اخلاقی تحت عنوان دستور اخلاقی الهی، پسندیده نیست و در این صورت، چه بسا شخص به چیزهایی متعبد می شود که نه واقعاً از نظر عقل و نه از نظر دین، پسندیده نیست. در سیره معصومان (ع) بر پرورش هر دو جنبه تفکر اخلاقی و تعبد اخلاقی با هم تأکید شده است (مصباح یزدی، ۱۳۶۷: ۹۸).

#### روش

روشهای ناظر بر اصل تعامل تفکر و تعبد دو گونه است: یکی از روشهای مرتبط با این اصل تبیین ارزشهای اخلاقی و روش دوم مبارزه با هوای نفس است که به اختصار به این دو روش اشاره می شود:

### تبیین ارزشهای اخلاقی و شکل‌گیری بصیرت اخلاقی

یکی از روشهای ناظر بر تعامل تفکر و تعبد تبیین ارزشهای اخلاقی و شکل‌گیری بصیرت اخلاقی در جامعه است. بصیرت و آگاهی اخلاقی در تربیت اخلاقی نقش مهمی دارد. علت اصلی ارتکاب رفتارهای ناشایست جهل و نادانی است. انسان ذاتاً در پی خوشبختی و سعادت است و اگر مرتکب رفتارهایی می‌شود که مایه بدبختی و شقاوت آنان می‌شود به سبب اشتباه در تشخیص ماهیت سعادت و خوشبختی خود و یا به سبب اشتباه در تشخیص رفتارهایی است که آنان را به خوشبختی می‌رساند. برای جلوگیری از انحراف اخلاقی مردم و ارتکاب رفتارهای ناشایست راهی جز ایجاد بصیرت و آگاهی اخلاقی نیست.

برخلاف برخی مکتبهای تربیت اخلاقی، که تنها بر آموزش و رشد تفکر اخلاقی تأکید دارند و برخلاف برخی مکتبهای تربیت اخلاقی که تنها به پرورش عاداتهای مطلوب اخلاقی توجه دارند در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) هم به رشد آگاهی و بصیرت اخلاقی و هم به پرورش و تقویت گرایشها و عاداتهای اخلاقی توجه شده است؛ زیرا چنانکه برخی متفکران بدرستی بیان کرده‌اند، رشد آگاهی و تفکر اخلاقی لزوماً به رفتارهای مطلوب نمی‌انجامد. هیل می‌گوید: «دانستن اینکه چیزی یا رفتاری خوب است بدین معنا نیست که شخص حتماً آن را انجام خواهد داد یا نسبت به آن نگرش مثبت پیدا خواهد کرد» (هیل، ۲۰۰۴: ۲۳).

یکی از روشهای مهم در آموزش ارزشها و بصیرت و آگاهی اخلاقی داشتن بینشی کلی از جهان و انسان است که ارزشهای اخلاقی مورد نظر بر آن استوار شده است. تربیت اخلاقی زمانی بر پایه‌هایی محکم استوار خواهد بود که باورهایی متناسب با آن در روح و جان متری ریشه دوانده باشد و در این صورت است که می‌توان امیدوار بود که درخت اخلاق روئیده بر این زمین حاصلخیز به ثمر بنشیند و صاحب آن از میوه‌های شیرین و فرحبخش آگاهی و بصیرت اخلاقی، عواطف عالی اخلاقی و رفتارهای شایسته اخلاقی بهره‌مند گردد.

یکی از موضوعات جالب توجه در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) این است که آنان اهمیت زیادی برای آموزش بنیانهای اخلاق و تربیت اخلاقی قائل شده‌اند و در فرصتهای مقتضی می‌کوشیدند جهان بینی اسلامی را که زیربنای اخلاق و تربیت اخلاقی اسلامی است در درون

متربیان آموزش دهند. در اینجا تنها به نقل چند نمونه از این آموزه‌ها بسنده می‌شود. انس می‌گوید: رسول خدا در حالی که بر ناقه خود (عضیا) سوار بود، خطبه‌ای ایراد کرد و فرمود: «ای مردم، گویی مرگ بر دیگران نوشته شده و حق بر دیگران واجب شده است و گویی مردگان مسافرانی هستند که بزودی به سوی ما باز می‌گردند؛ پس از آنان جاودانه ایم. هر مایه عبرتی را فراموش کرده و از هر سختی و خشکسالی در امان مانده ایم. خوشا آنان که هر چه را از غیر گناه به دست آورده اند می‌بخشند و با فقیهان و حکیمان می‌نشینند و با مسکینان و دون پایگان رفت و آمد دارند. خوشا آن که نفسش خوار و خلقتش نیکو و باطنش صالح است و شرش به دیگران نمی‌رسد. خوشا آن که زیادی مال خود را می‌بخشد و زیادی سخنان خود را نگاه می‌دارد و به سنت عمل می‌کند و از بدعت بیزار است» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۷۴: ۱۷۷).

در این روایت پیامبر (ص) نخست مبانی و فلسفه اخلاق و تربیت اخلاقی را بیان می‌کند و سپس مردم را به رفتارهای پسندیده اخلاقی فرا می‌خواند. بر پایه این روایت، اعتقاد به خدا و معاد و اعتقاد به اینکه انسان بنده خدا است و وظیفه او پیروی از دستور خدا است و سعادت و خوشبختی او در همین است و اگر کسی به دستور خداوند عمل کند، نزد خدا با کسی که از دستور او سرپیچی کند، یکسان نیست و خداوند در روز قیامت به حساب بندگان رسیدگی می‌کند؛ نیکوکاران را پاداش می‌دهد و بدکاران را مجازات می‌کند، بنیان اخلاق و تربیت اخلاقی نبوی است.

به این سیره از پیامبر (ص) نیز توجه شود قیس بن عاصم می‌گوید: «با هیبتی از بنی تمیم خدمت پیامبر (ص) رسیدیم. پیامبر (ص) به من فرمود: دستت را با آب و سدر بشوی. من این کار را انجام دادم و برگشتم و گفتم ای رسول خدا، ما را موعظه‌ای کن تا از آن بهره مند شویم. فرمود: ای قیس با هر عزتی ذلتی و با هر زندگی مرگی و با دنیا آخرتی است. همراه هر چیزی حساب کننده‌ای و بر هر چیزی مراقبی است. هر کار نیک، پاداش و هر کار زشتی، عقاب دارد و هر اجلی نیت ثبت شده است. ای قیس بناچار همراهی داری که با تو دفن می‌شود و در حالی که زنده است و تو با او دفن می‌شوی در حالی که مرده‌ای. اگر همراه تو بزرگوار باشد، تو را بزرگ می‌دارد و اگر پست باشد، تو را تسلیم می‌کند؛ جز با تو محشور نمی‌شود و تو نیز جز با او محشور نمی‌شوی و جز از آن پرسیده نمی‌شوی و جز با او برانگیخته نمی‌شوی. پس همراه خود را جز صالح و شایسته قرار مده که اگر شایسته باشد، جز با آن انس نمی‌گیری و اگر زشت باشد جز از آن وحشت

نمی‌کنی و این همراه تو جز عمل تو نیست» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۴: ۱۷۸).

در این روایت نیز پیامبر(ص) با بیانی زیبا و دلنشین نخست جهان بینی و پایه‌های تربیت اخلاقی را برای بالا بردن بینش بیان می‌کند؛ سپس قیس را به عمل نیکو فرا می‌خواند و از عمل زشت برحذر می‌دارد. در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت برای بصیرت اخلاقی و فلسفه اخلاق و تربیت اخلاقی از جهان بینی اسلامی استفاده می‌شود که در ایجاد انگیزه برای عمل به ارزشها و آموزه‌های اخلاقی نیز مؤثر است. بنا به گفته هیل: «بسیاری از پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که آگاهی از ارزشها به تنهایی، نمی‌تواند انگیزه لازم را برای عمل طبق آنها در شخص ایجاد کند. سر آن این است که انگیزه عمل برطبق این ارزشها در اعتقادات بنیادین درباره جهان هستی و زندگی انسان در این جهان ریشه دارد و این باورهای بنیادین عمدتاً باورهای دینی هستند» (هیل، ۲۰۰۴: ۱۹).

#### مبارزه با هوای نفس

دیگر روش ناظر بر هماهنگی تفکر و تعبد در جامعه، مبارزه با هوای نفس است. مبارزه با هوای نفس به معنی وادار کردن مرتبی به رفتارهای پسندیده است که مخالف میلها و گرایشهای نفسانی است. از این رو هر گاه مرتبی، مرتبی را به رفتارهای اخلاقی وادار کند، مرتبی بتدریج با آن خو می‌گیرد و لذت آن را درمی‌یابد و در این هنگام است که خود به خود و بدون نیاز به عامل بیرونی، رفتارهای اخلاقی را انجام می‌دهد و از رفتارهای ضد اخلاقی دوری می‌کند و با هوای نفس خود مبارزه می‌کند. معصومان(ع) برای وادار کردن مرتبی به رفتارهای اخلاقی و مبارزه با هوای نفس آنان را به صورت عملی با این رفتارها آشنا می‌کردند؛ برای نمونه به این سیره توجه شود:

امام صادق(ع) به فرزندش محمد فرمود: «پسرم، چه مبلغی از آن هزینه باقی مانده است؟ گفت: چهل دینار. فرمود: برو و آن را صدقه بده. محمد گفت: چیزی غیر از این باقی نمانده است! فرمود: صدقه بده که خداوند متعال جای آن را پر می‌کند. آیا نمی‌دانی که هر چیزی کلیدی دارد و کلید روزی، صدقه است؛ آن را صدقه بده. فرزند امام(ع) آن را صدقه داد و ده روزی نگذشت که از جایی چهار هزار دینار رسید و امام فرمود: پسرم، ما برای خدا چهل دینار دادیم و خداوند به ما چهار هزار دینار داد. این سیره نشاندهنده این است که واداشتن دیگران به کارهای شایسته ثمرات نیکویی دارد که یکی از آنها آشنا شدن با عمل و فواید آن و علاقه پیدا کردن به تکرار آن است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴: ۹).

در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) استقلال در عمل به شناخت اخلاقی و فهم اخلاقی کمک

می‌کند؛ بدین معنا که شخص پس از تشخیص درستی یا نادرستی رفتار، مطابق تشخیص خود عمل کند و تحت تأثیر مانعهای درونی و بیرونی قرار نگیرد. مانعهای درونی عمدتاً همان گرایشها و میلهای نفسانی است که با رفتار درست اخلاقی در تضاد است و مانعهای بیرونی نیز عمدتاً مخالفت‌های اجتماعی است که در مقابل رفتار درست به دلایل متعدد، ظهور می‌کند.

به نظر می‌رسد این مطلب در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) مورد توجه و تأکید است و معصومان (ع) در روایات متعددی بر این مطلب تأکید کرده‌اند که مؤمن نباید در برابر امیال نفسانی نامشروع خود کوتاه بیاید. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «شما را به دوری از گرایشهای نفسانی سفارش می‌کنم که گرایشهای نفسانی انسان را به کوری یعنی گمراهی در دنیا و آخرت فرا می‌خواند» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲: ۱۱۳).

آن حضرت در روایتی دیگر می‌فرماید: «بر شما از دو چیز می‌ترسم: پیروی از امیال نفسانی و آرزوهای دور و دراز. پیروی از هوای نفس انسان را از حق باز می‌دارد و آرزوهای دور و دراز انسان را از آخرت غافل می‌کند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۲۳۵).

از امام کاظم (ع) نیز روایت شده است که به هشام فرمود: «ای هشام، عمل کم از عاقل پذیرفته و مضاعف می‌شود؛ ولی عمل زیاد کسانی که تابع امیال نفسانی خویش و نادان هستند، رد می‌شود» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۷)؛ همچنین فرمود: «ای هشام، عاقل دروغ نمی‌گوید هر چند موافق امیال نفسانی او باشد» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۹). امام صادق (ع) می‌فرماید: «از هواهای نفسانی خود بپرهیزید؛ چنانکه از دشمنان خود دوری می‌کنید؛ زیرا مردم دشمنی سخت‌تر از پیروی هواهای نفسانی خود ندارند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۳۳۵).

## مبانی دوم - هماهنگی دین و اخلاق

در سیره معصومان (ع) دین و اخلاق نه تنها از یکدیگر جدا نیست، بلکه اخلاق بخشی از دین و دین بنیاد و اساس اخلاق است. نتیجه و میوه ایمان توحیدی است و در نتیجه روح توحید در همه آموزه‌های اخلاقی سریان دارد و از سوی دیگر روح اخلاق نیز بر همه رفتارهای دینی سایه انداخته است. افزون بر این، ایمان اسلامی پشتوانه اجرایی اخلاق اسلامی و از سوی دیگر، اخلاق اسلامی نیز حافظ ایمان اسلامی است. در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) اخلاق بخشی از دین اسلام است؛ زیرا اسلام افزون بر بعد اخلاقی، بعد اعتقادی، سیاسی و فقهی هم دارد.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ». (طبرسی، ۱۴۱۲ ق: ۸): همانا مبعوث شدم تنها برای اینکه مکارم اخلاق را تکمیل کنم. بر پایه این روایت می توان گفت نه تنها هدف دین تهذیب اخلاق است، بلکه اخلاق معادل دین است و دین چیزی جز اخلاق نیست.

ایمان به خداوند یگانه همه اخلاق اسلامی را به صورت خلاصه و فشرده در خود دارد و اخلاق اسلامی نیز چیزی جز تفصیل و گسترش ایمان توحیدی نیست. بنابراین، روح توحید در تمام آموزه‌های اخلاقی اسلام جاری و ساری است و روح اخلاق در تمام اعمال دینی جاری و ساری است. از سوی دیگر، ایمان اسلامی ضامن اجرای قواعد اخلاقی است؛ برای مثال، اگر اعتقاد به معاد در کار نباشد، هیچ عاملی نمی تواند انسان را از پیروی هواها و هوسهای خود باز دارد. در مقابل، اخلاق اسلامی نیز حافظ ایمان دینی است (امید، ۱۳۸۱: ۲۱).

در سیره معصومان (ع) دین و اخلاق رابطه ای ناگسستنی و مستحکم دارد؛ در سیره آنها تمام فضایل و رفتارهای اخلاقی بخشی از دستور دینی است و نه چیزی مستقل از آن؛ برای نمونه فضیلت عفت، اصلاح میان مردم، اهتمام به کار دیگران و رفع مشکلات آنها و حیا که از فضیلت‌های اخلاقی است در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) به عنوان بخشی از دین اسلام و دستور دینی مطرح شده است. امام باقر (ع) فرمود: «برترین عبادت عفت دامن و شکم است». (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۷۹). در این روایت عفت دامن و شکم، عبادت تلقی شده است. در روایت دیگری اصلاح میان مردم صدقه (که عبادت مالی است) به شمار آمده است. امام صادق (ع) می فرماید: «صدقه‌ای که خداوند آن را دوست دارد، اصلاح میان مردم است هنگامی که رابطه آنها به هم خورده باشد و نزدیک کردن آنها به یکدیگر است هنگامی که از هم فاصله گرفته اند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸: ۱۹۱)؛ هم چنین اهتمام به کار مردم، ویژگی اساسی مسلمانی دانسته شده است. پیامبر (ص) فرمود: «آن که شب را به صبح برساند و به امور مسلمانان توجهی نداشته باشد، مسلمان نیست» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۲۰۳) و نیز حیا (شرم از رفتارهای ناپسند) بعدی از ایمان به شمار آمده است. امام صادق (ع) فرمود: «حیا از ایمان است و جایگاه ایمان در بهشت است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۲۹۱).

از روایات پیشگفته، روشن می شود که اخلاق اسلامی در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) پیوندی محکم با دین اسلام دارد. در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) اخلاق بخشی از دین اسلام است؛ زیرا اسلام افزون بر بعد اخلاقی، بعد اعتقادی، سیاسی و فقهی هم دارد. ارتباط دین با اخلاق: اینکه اخلاق اسلامی بخشی از دین است در سیره معصومان (ع) هدف



غایی دین اسلام تهذیب خلق و خوی آدمی است. روایاتی از پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) صادر شده که مؤید این مطلب است؛ برای نمونه به این روایات توجه شود:

عنه (صلی الله علیه و آله): «اکمل المؤمنین ایمانا احسنهم خلقا» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۹۹): کاملترین مؤمنان از نظر ایمان، نیکخوترین آنها است.

عنه (صلی الله علیه و آله): «أشبهکم بی أحسنکم خلقا» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲: ۲۷۱): شبیه ترین شما به من، نیکخوترین شما است.

مردی نزد پیامبر (ص) آمد و عرض کرد ای رسول خدا، دین چیست؟ فرمود نیکخویی. سپس از سمت راست پیامبر (ص) آمد و عرض کرد دین چیست؟ فرمود نیکخویی. آن گاه از سمت چپ آمد و عرض کرد دین چیست؟ فرمود نیکخویی. پس از پشت سر پیامبر (ص) آمد و گفت دین چیست؟ پیامبر رو به او کرد و فرمود مگر نمی فهمی؟ دین یعنی که خشم نگیری» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۸: ۳۹۳).

همه این روایات آشکارا ایمان را معادل نیکخویی دانسته اند و حتی روایت آخر، دین را معادل خوش خلقی و خشم نگرفتن دانسته است. بر پایه این روایات می توان گفت نه تنها هدف دین تهذیب اخلاق است، بلکه اخلاق معادل دین است و دین چیزی جز اخلاق نیست.

#### اصل دوم - در هم تنیدگی تربیت اخلاقی و تربیت دینی

در هم تنیدگی تربیت اخلاقی و تربیت دینی بدین معنا است که اولاً تربیت اخلاقی در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) بخشی از تربیت دینی است و نه چیزی جدا و مستقل از آن. ثانیاً تربیت اخلاقی در آموزه های دینی ریشه دارد. از آنجا که در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) اخلاق بخشی از دین اسلام است و رابطه عمیق این دو را به هم پیوند داده و دین اساس اخلاق و اخلاق ثمره دین است، طبیعی است که تربیت اخلاقی و تربیت دینی نیز با یکدیگر رابطه محکم و عمیق داشته و درهم تنیده باشد؛ از این رو، پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) هم رفتارهای اخلاقی خود و هم فعالیتهاشان در تربیت اخلاقی همگی را به عنوان وظیفه ای دینی و نه مستقل از دین، انجام می دادند. بهترین مؤید این مدعا سخن معروف پیامبر اکرم (ص) است که فرمود: «همانا مبعوث شدم تا مکارم اخلاقی را تکمیل کنم» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱: ۱۸۷).

مطابق این روایت هدف بعثت پیامبر (ص) تکمیل مکارم اخلاق در میان مردم بوده است؛ این بدین معنا است که در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) تربیت اخلاقی عین تربیت دینی است. توجه

به این اصل در تربیت اخلاقی دو نتیجه عملی دارد: نخست اینکه تربیت اخلاقی را نمی‌توان از تربیت دینی جدا کرد. در طول تاریخ تعلیم و تربیت اسلامی نیز برخلاف کشورهای سکولار، تربیت اخلاقی نه جدا از تربیت دینی، بلکه در ضمن تربیت دینی صورت می‌گرفت. الاهوانی معتقد است از آنجا که دین اسلام یکی از بنیادهای اخلاق و اخلاق اسلامی بخشی از دین اسلام است، مسلمانها از قدیم به آموزش دین اهتمام داشتند و در ضمن آموزش دین در واقع، تربیت اخلاقی هم صورت می‌گرفت (الاهوانی، ۱۴۱۲ ق: ۱۱۹).

امروزه برخی کشورهای پیشگام در سکولاریزم نیز به این نتیجه رسیده‌اند که تربیت دینی در رشد و ارتقای ارزشهای اخلاقی تأثیر دارد. هالستید و تیلور درباره "عبادت جمعی"، که هر روزه در مدارس انگلستان اجرا می‌شود، می‌گویند: «گرچه این روش مخالفانی دارد، برخی معتقدند این کار در رشد و ارتقای ارزشهای معنوی و اخلاقی تأثیر دارد».

دوم اینکه تربیت اخلاقی بدون تربیت دینی نمی‌تواند شاهد موفقیت را در آغوش بگیرد؛ چنانکه علوان گفته است، آراستگی به فضیلت‌های اخلاقی، ثمره ایمان راسخ به خداوند (تربیت دینی) است. اعتقاد به خدا و اعتقاد به اینکه او در تمام لحظات بر اعمال و رفتار ما ناظر است مانع آلوده شدن مسلمان به رذایل و رفتارهای ناشایست می‌شود (علوان، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۶۷).

صاحب‌نظران تربیت اخلاقی در دنیای معاصر نیز به این نتیجه رسیده‌اند که تربیت اخلاقی حتی در کشورهای سکولار نیز بدون تربیت دینی نمی‌تواند به اهداف خود برسد. هیل می‌گوید: بسیاری از پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که تنها آگاهی از ارزشها انگیزه لازم برای عمل برطبق آنها را در شخص ایجاد نمی‌کند. سرآن این است که انگیزه عمل بر طبق این ارزشها در اعتقادات بنیادین درباره جهان هستی و زندگی انسان در این جهان ریشه دارد و این باورهای بنیادین عمدتاً باورهای دینی است؛ از این رو، آموزشهای دینی بخش جدایی‌ناپذیر تربیت اخلاقی است (هیل، ۲۰۰۴: ۲۳۴).

#### روش

روشهای ناظر بر اصل تعامل دین و اخلاق دو گونه است. یکی از روشهای مرتبط با این اصل پاک کردن محیط از مظاهر فساد است و روش دوم امر به معروف و نهی از منکر یا حاکم نمودن

فضای اخلاقی در جامعه است. که به اختصار به این دو روش اشاره می شود:

#### پاک کردن محیط از مظاهر فساد

این روش بر اصل تعامل دین و اخلاق ناظر است. لازم به ذکر است متفکران آموزش و پرورش از دیر باز به تأثیر منفی محیط نامناسب بر تربیت به صورت کلی و تربیت اخلاقی به صورت خاص توجه داشته، و خواستار زدودن عوامل نامناسب و محل شده اند. معتقدند محیط فاسد مانع به ثمر رساندن تربیت اخلاقی می شود.

انسان برای ادامه حیات خود و برای تأمین نیازمندیهای ضروری خود به ارتباط با محیط نیازمند است. از سوی دیگر، آدمی معمولاً از محیط خود تأثیر می پذیرد. اگر محیط صالح باشد، رفتار او نیز صالح خواهد بود و به عکس.

بنابراین، محیط فاسد بتدریج انسان را فاسد می کند و او را به سوی رفتارهای ناشایست سوق می دهد. به همین سبب، می توان گفت تربیت اخلاقی بدون محیط سالم امکانپذیر نخواهد بود (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۶۷).

دقت در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) نشان می دهد که آنان با اصل زدودن عوامل نامناسب موافق بوده، و آن را اجرا می کرده اند. نمونه های متعددی از این عمل در سیره آنان به ثبت رسیده است که برخی از آنها در اینجا نقل می شود:

هارون بن جهم می گوید: «هنگامی که امام صادق (ع) در حیره بر منصور وارد شد با او بودیم. یکی از کارگزاران منصور فرزندش را ختنه کرده و غذایی پخته بود و مردم را دعوت کرده بود. امام (ع) نیز از جمله دعوت شدگان بود. امام (ع) بر سر سفره بود و غذا می خورد و گروهی نیز همراه او بر سر سفره نشسته بودند که یکی از آنها آبی خواست و برایش کاسه ای شراب آوردند. همین که شراب به دست مرد رسید، امام (ع) برخاست. از او درباره علت برخاستنش پرسیدند، آن حضرت فرمود که پیامبر (ص) فرمود: کسی که بر سفره ای بنشیند که در آن شراب می خورند ملعون است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۲۶۸).

افزون بر اینکه خود معصومان (ع) از محیط ناسالم دوری می کردند، مسلمانان را نیز از چنین محیط هایی برحذر می داشتند. از امام صادق (ع) روایت شده است: «با بدعتگزاران مصاحبت و نشست و برخاست نکنید که از نظر مردم یکی از آنها به شمار می آید. پیامبر (ص) فرمود: هرکسی بر دین دوست و همراه خود است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۳۷۶). و در روایتی دیگر می فرماید:

«سزاوار نیست مسلمان با فاجر و احمق و دروغگو دوستی داشته باشد» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۳۹۱). یکی از عوامل مهم تکوین و تغییر انسان، وضع محیطی مختلف اعم از زمان و مکان و محیط اجتماعی است. منظور مجموعه علل و عوامل و اسبابی است که در افراد فکر و احساسات بخصوصی ایجاد می کند و فرد و محیطش را می سازد. فضایی که در آن آلودگی، فساد و انحراف است و امکان اصلاح و سازندگی وجود ندارد و یا فوق العاده ضعیف است و هم چنان که در محیطی که در آن بیماری است، امکان اصلاح و سازندگی وجود ندارد، طبعاً برای سازندگی باید آن را از آلودگی نجات داد، باید فضای اخلاقی را از مظاهر فساد پاک کرد تا زمینه مناسبی برای رشد اخلاقی ایجاد شود.

بر این اساس، زدودن موانع تربیت اخلاقی از محیط یکی از روشهای تربیتی در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) است.

امر به معروف و نهی از منکر (ایجاد فضای اخلاقی در جامعه)

مراد از فضای اخلاقی یا حاکمیت امر به معروف و نهی از منکر در جامعه این است که ارزشهای اخلاقی در جامعه جایگاهی برتر بیابد و همه خود را موظف و متعهد به رعایت آنها بدانند؛ به عبارت دیگر، ایجاد فضای اخلاقی به معنای حاکم شدن ارزشهای اخلاقی اسلامی است. اما حاکمیت ارزشهای اخلاقی نه به معنای حاکمیت از طریق اعمال فشار و زور، بلکه بدین معنا است که افراد از صمیم قلب برای آنها ارزش قائل شوند؛ آنها را بپذیرند و به آنها پایبند باشند.

دقت در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) نشان می دهد که آنان همه تلاشها و کوششهای خود را صرف حاکم کردن ارزشهای اخلاقی اسلام و ایجاد فضای اخلاقی در جامعه می کردند. پیامبر(ص) در طول اقامت خود در مدینه با تدابیری خاص به بهترین وجه ارزشهای اخلاقی اسلامی را در جامعه مدینه حاکم کردند به گونه ای که کسی جرأت تخلف از آنها را به خود نمی داد. داستانی هست درباره جوانی که خدمت پیامبر(ص) رسید و از ایشان اجازه زنا کردن می خواست، مؤید این مطلب است؛ زیرا هنگامی که جوان چنین درخواستی از پیامبر(ص) کرد، همه اصحاب به سوی او هجوم بردند و او را از این کار منع کردند. این سیره نشان می دهد که همه مسلمانان از عمق وجود خود ارزشهای اخلاقی را پذیرفته و به آن پایبند بودند و به همین سبب، اگر کسی در صدد زیر پا گذاشتن آنها بر می آمد با مخالفت و واکنش جدی آنها روبه رو شد.

هنگامی که فضای اخلاقی مناسب به وجود بیاید، نسل جدیدی که در آن زیست می کند به

صورت عملی با ارزشهای اخلاقی آشنا می‌شود و بر اساس ساز و کار تقلید و هم‌رنگی، آن را در زندگی روزمره خود به کار می‌بندد و بدین ترتیب، بتدریج عاداتهای اخلاقی نیکو در آنها پرورش و رشد می‌یابد و پایدار می‌شود. در دوران معاصر نیز ایجاد فضای اخلاقی به عنوان روش تربیت اخلاقی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. لیکونا ایجاد فضای اخلاقی را روشی مؤثر در تربیت اخلاقی می‌داند و می‌نویسد: «این روش موجب می‌شود دانش آموزان از مرحله سخن فراتر روند و آنچه را می‌گویند، جامه عمل بپوشانند».

کسی که در جامعه‌ای زندگی می‌کند که افرادش در مقابل ارزشهای اخلاقی اسلام احساس مسئولیت می‌کنند و در برابر زیر پا گذاشته شدن آنها واکنش نشان می‌دهند بتدریج با ارزشها و ضد ارزشهای اخلاقی آشنا می‌شود؛ به علاوه با سلسله مراتب ارزشها و ضدارزشها نیز آشنا می‌شود؛ زیرا مشاهده می‌کند که جامعه در برابر تخلف از برخی ارزشها، واکنش شدید و در مقابل تخلف از برخی دیگر، واکنش ضعیف نشان می‌دهد؛ هم‌چنین در می‌یابد کدام یک از آنها ثابت و کدام متغیر است؛ در کجا باید رعایت شود و در کجا رعایت آنها لازم نیست. از سوی دیگر، رعایت ارزشها با تأیید و واکنش مثبت دیگران و عدم رعایت آنها با واکنش منفی روبه‌رو می‌شود. همین باعث می‌شود رعایت ارزشها با تجربیات خوشایند و عدم رعایت آنها با تجربیات ناخوشایند، شرطی شود؛ نوعی احساس مثبت در رویارویی با رعایت ارزشها، و احساس منفی در رویارویی با عدم رعایت ارزشها در او ایجاد شود؛ بدین ترتیب، فرد بتدریج با ارزشهای اخلاقی اسلام آشنا می‌شود و آنها را درونی می‌کند و در نتیجه، نظام ارزشی مطلوب در فرد، شکل می‌گیرد و پرورش می‌یابد.

اینکه چرا در تربیت اخلاقی هم باید از عوامل بیرونی و هم از عوامل درونی کمک گرفت، در دو ویژگی انسان ریشه دارد: نخست اینکه در وجود انسان دو لشکر صف آراسته‌اند: لشکر جهل و لشکر عقل. وضعیت انسان در این دنیا به گونه‌ای است که گرایشها، عواطف، احساسات و رفتارهای مادی، که از لشکریان جهلند، زودتر از گرایشها و عواطف عالی که از لشکریان عقلند، بروز و ظهور پیدا می‌کنند؛ زیرا انسان به طور معمول به دسته اول توجه بیشتری دارد و همین موجب می‌شود زمینه برای رشد عواطف عالی، تنگ و محدود گردد و رشد و شکوفایی آنها مستلزم فعالیت بیشتری باشد. یکی از ابزارهای رسیدن به این هدف، امر و نهی است؛ امر و نهی، فرد را وادار می‌کند برخلاف میل باطنی‌اش به دسته دوم نیز توجه کند، تا بتدریج زمینه برای شکوفایی

آنها نیز فراهم گردد. دوم اینکه افراد انسانی نیز در تأثیرپذیری از روشها با یکدیگر تفاوت دارند: عده‌ای از روشهای بیرونی و گروهی نیز از روش درونی بیشتر تاثیر می‌پذیرند.

### مبنای سوم - هماهنگی حسن فعلی و حسن فاعلی

در اسلام کمال حقیقی انسان قرب به خدا است و مراد از قرب به خدا، نه قرب مکانی یا زمانی، بلکه قرب وجودی است؛ به عبارت دیگر، کمال انسان این است که رابطه وجودیش با خداوند متعال تقویت شود. هر اندازه این رابطه قویتر باشد، شخص به خداوند نزدیکتر و در نتیجه کاملتر خواهد بود. بنابراین، ارزش اخلاقی فعل اختیاری انسان تابع میزان تأثیر آن در تقرب انسان به خداوند متعال است. در عین حال باید توجه کرد که تقرب به خدا در صورتی برای انسان حاصل می‌شود که رفتار افزون بر اینکه حسن فعلی دارد (یعنی خود عمل به خودی خود صالح است و در تقرب انسان به خداوند تأثیری مثبت دارد) با انگیزه صحیح انجام شده باشد. اگر عمل صالح با انگیزه‌ای نادرست انجام شود، بر کمال انجام دهنده چیزی نمی‌افزاید؛ چنانکه اگر عمل ناصالح با انگیزه صحیح انجام شود بر کمال وی چیزی نمی‌افزاید. بنابراین، دو چیز در ارزشمندی عمل مؤثر است: صالح بودن خود عمل، صالح بودن انگیزه فاعل عمل (مصباح یزدی، ۱۳۶۷: ۱۶۲-۱۷۲).

در معیار ارزشمندی عمل اخلاقی در سیره معصومان (ع) بر این نکته تأکید شده است که تنها راه رستگاری و رسیدن به سعادت، پیروی از دستور خداوند است و این دستورها همگی در دستیابی انسان به کمال مؤثر است. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «آن که از خدا و پیامبر (ص) او پیروی کند به رستگاری عظیم و پاداش فراوان دست یافته است و آن که از خدا و پیامبر (ص) سرپیچی کند، آشکارا زیان کرده و سزاوار عذاب دردناک است. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۴۲).

در روایتی از امام باقر (ع) آمده است: «خداوند متعال هر مطلبی را که مورد نیاز مسلمانان است در کتاب خود نازل و برای پیامبر (ص) تبیین کرده و برای هر چیزی حدی قرار داده و دلیلی قرار داده است تا به آن راهنمایی کند و برای هر کسی که از آن حد تعدی کند نیز حدی تعیین کرده است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۵۴).

براساس این روایات راه رسیدن به سعادت و کمال پیروی از دستور خداوند است و در دین

اسلام هر دستوری که برای سعادت انسان لازم بوده است وجود دارد. بنابراین، دستورهای اسلام از جمله دستورهای اخلاقی آن، همگی در استکمال انسان نقش ایفا می‌کند و به همین دلیل خداوند به آنها دستور داده است. در روایات دیگری بر این موضوع تأکید شده که عملی مقبول خداوند است که با انگیزه‌ای صحیح انجام شده باشد و فرد در آن اخلاص داشته باشد. از امام صادق (ع) روایت شده است: «خداوند عزوجل می‌فرماید: من شریک خوبی هستم. کسی که برای من و غیر من عملی را انجام دهد، آن عمل برای غیر من خواهد بود» (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱: ۷۲).

بر پایه این روایت، رفتارهایی مقبول درگاه خداوند واقع می‌شوند که تنها برای امتثال دستور خداوند انجام شده باشد. در روایت دیگری امام صادق (ع) در ذیل آیه "تا شما را بیازماید که کدام یک از شما نیکوکارترید"، فرمود: «مراد بیشتر عمل کردن نیست بلکه مراد صواب و درست است و درستی عمل یعنی خوف از خدا و نیت صادق و حسنه... عمل خالص این است که نخواهی کسی جز خدا تو را بر آن ستایش کند». (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۶).

از آنچه گفته شد روشن می‌شود که در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) معیار ارزشمندی رفتار اخلاقی این است که اولاً رفتار، پسندیده باشد. ثانیاً شخص آن رفتار را با انگیزه پیروی از دستور خداوند متعال انجام دهد؛ هم‌چنین مشخص شد عمل پسندیده این است که در رسیدن انسان به کمال و سعادت حقیقی تأثیری مثبت داشته باشد.

#### اصل سوم - درهم تنیدگی انگیزه و عمل

یکی دیگر از اصول تربیت اخلاقی در سیره پیامبر (ص) و معصومان (ع) که در مبنای سوم یعنی حسن فعلی و حسن فاعلی ریشه دارد، این است که تربیت اخلاقی در صورتی به مقصد نهایی خود می‌رسد که هم ظاهر از رفتارهای ناشایسته پاک شده باشد، هم باطن از انگیزه‌های ناشایست.

به نظر می‌رسد در سیره معصومان (ع) هر عمل، ظاهری دارد و باطنی. ظاهر عمل همان حرکاتی است که از اعضا و جوارح انسان صادر می‌شود و باطن و روح عمل، انگیزه‌ای است که انسان را به رفتار وادار کرده است. اگر عملی تنها از ظاهر خوب برخوردار باشد، ارزشی ندارد؛ چنانکه اگر تنها از باطن و روح خوب برخوردار باشد، ارزشی ندارد. در عین حال، نقش باطن در ارزش دادن به عمل بیش از نقش ظاهر است، به همین دلیل در سیره بر اخلاص نیت و پاک کردن درون از انگیزه‌های پلید بیشتر تأکید شده است. پیامبر (ص) فرمود: «همانا ارزش اعمال به نیت است و هر کسی به حسب آنچه نیت کرده است، بهره‌مند می‌شود. کسی که جهاد کند و نیتش دستیابی به

اجر الهی باشد، اجر او به عهده خدا است و کسی که برای رسیدن به منافع دنیایی یا گرفتن اسیر ارزشمند و آزاد کردن آن در برابر فدیة جهاد کند، جز آنچه قصد کرده به دست نمی آورد» (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱: ۴۸).

### روش

روشهای ناظر بر اصل تعامل انگیزه و عمل دو گونه است: یکی از روشهای مرتبط با این اصل پاک کردن تحریک ایمان و اعتقادات دینی متریبان است و روش دوم پرورش میل و اشتیاق است که به اختصار به این دو روش اشاره می شود.

### تحریک ایمان و اعتقادات دینی متریبان

از روشهای ناظر بر تعامل اخلاق و انگیزه، تحریک ایمان است در این روش معصومان(ع) با توسل به ایمان و اعتقادات دینی متریبان و تحریک آن، متریبان را به رفتارهای اخلاقی سوق می دادند. در عین حال، معصومان(ع) برای ترغیب مردم به دوری کردن از این رفتار ضد اخلاقی از مایه های ایمانی آنان استفاده می کردند. به این سیره توجه شود: از ابی بصیر نقل شده است که همسایه ای داشته از عمال و کارگزاران حکومتی که از راه حرام، ثروتی به هم زده بود و شبها مجالس برپا می کرد و خوانندگان زن در آن می خواندند و مجلسیان نیز مست می کردند. این باعث آزار و اذیت ابوبصیر می شد. از این رو ابوبصیر، بارها از او می خواست که از این کار دست بردارد. همسایه ابوبصیر با مشاهده اصرار وی به او می گوید: ابا بصیر! من فردی ام که به این امور دچار شده ام [و توان ترکش را ندارم] اما تو سالمی و در راه؛ حال مرا برای امامت ابا عبدالله توضیح ده؛ شاید خداوند مرا از این وضع خلاص کند. ابوبصیر می گوید: من در مسافرت به مدینه، حال و وضع او را برای امام صادق(ع) بیان کردم. امام فرمود: زمانی که به کوفه برگشتی، همسایه ات به دیدن تو خواهد آمد؛ از قول من به او بگو: از آن کارها دست بکش؛ من قول می دهم و متعهد می شوم که خداوند تو را وارد بهشت کند. ابابصیر می گوید: بعد از بازگشت، وعده امام(ع) را به او گفتم. او از من پرسید: به راستی امام صادق(ع) چنین فرمود: گفتم: آری، بعد از چند روز کسی دنبالم فرستاد وقتی وارد شدم، دیدم پشت در خانه اش برهنه ایستاده است گفت: ای ابابصیر! همه آنچه داشتم به صاحبانش بازگرداندم و چیزی برایم نمانده است، من از چند تن از دوستان و برادرانم برای او نیازهای اولیه را تهیه کردم. بعد از چند روز پیام فرستاد که مریضم. به عیادت او رفتم و به معالجه او



پرداختم؛ اما فایده ای نکرد. هنگام احتضار بیهوش شد. بعد از اینکه به هوش آمد گفت: ابا بصیر! امام صادق(ع) به وعده‌اش وفا کرد. ابوبصیر می‌گوید: همسایه‌ام این را گفت و مرد» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۳۹۵). در این سیره امام(ع) با تحریک ایمان و اعتقاد همسایه ابوبصیر به خدا و معاد و بهشت، او را از رفتارهای ناشایست باز می‌دارد و به رفتارهای شایسته وا می‌دارد.

#### پرورش میل و اشتیاق در به دست آوردن فضیلتها و توانایی مخالفت با رذیلتها

دیگر روش ناظر بر تعامل اخلاق و انگیزه، پرورش انگیزه و گرایش در مردم به کارهای نیک و نیز ایجاد نفرت و کراهت در مردم نسبت به کارهای زشت و به دنبال آن، بازداشتن مردم از کارهای ناشایست اخلاقی است. سخنانی که از پیامبر(ص) در این خصوص صادر شده بسیار است به گونه‌ای که برخی از دانشمندان مسلمان کتابی مستقل با نام «الترغیب والترهیب من الحدیث الشریف» تألیف کرده اند. برای روشن تر شدن این مطلب چند نمونه از ترغیبه‌ها و ترهیه‌ها در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) در اینجا نقل می‌شود. پیامبر(ص) در ترغیب به عفو و گذشت و فرو خوردن خشم می‌فرماید: «هر گاه خشم شما را تحت فشار قرار داد با عفو و گذشت آن را رفع کنید در روز قیامت منادی ندا می‌دهد، هر که پاداش او بر عهده خداوند است برخیزد. جز عفوکنندگان بر نخیزند؛ آیا سخن خداوند (درقرآن) را نشنیده اند: فمن عفا و اصلح فاجره علی الله» (دیلمی، ۱۴۰۸ ق، ج ۳: ۳۳۷).

امام صادق(ع) در ترغیب به اخلاص می‌فرماید: «بنده مسلمانی نیست که در رفتار خود با خداوند خالصانه عمل کند و حق خداوند را از نفس خود بگیرد و حقی را خداوند برای نفس او معین کرده ادا کند، جز اینکه خداوند به او دو ویژگی عنایت می‌کند: رزقی الهی که به آن قناعت کند و به دیگران نیازمند نباشد و رضایتی الهی که او را نجات دهد» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۷۲: ۲۵)؛ هم‌چنین امام صادق(ع) درباره رسیدگی به برادران ایمانی می‌فرماید: «کسی که در پی برآوردن نیاز برادر مؤمن خود است، خداوند نیز تا هنگامی که وی در این کار است، در پی تأمین نیازهای او است» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۷: ۲۸۶).

آن حضرت در روایتی دیگر به سدید صیرفی درباره ثروت و پیامدهای آن می‌فرماید: «دارایی کسی بسیار نمی‌شود مگر اینکه حجت خداوند علیه او نیز بیشتر می‌شود. اگر توانایی دفع حجت خدا علیه خود را دارید، آن را دفع کنید. سدید به امام(ع) عرض کرد، ای فرزند رسول خدا با چه چیزی؟ امام(ع) فرمود: با برآوردن نیازهای برادرانتان با دارائیتان» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۷: ۳۰۲).

چنانکه گفته شد، بیان پیامدهای رفتارهای اخلاقی موجب می شود در متری نسبت به رفتارهای پسندیده میل و اشتیاق و نسبت به رفتارهای ناپسند نفرت و کراهت به وجود آید. میل و اشتیاق سرچشمه انگیزه اقدام به رفتارهای شایسته و نفرت و کراهت سرچشمه انگیزه ترک رفتارهای ناپسند می شود؛ زیرا انسان طبیعتاً به آنچه به او سودی می رساند گرایش دارد و به دنبال آن است و از آنچه به او زیانی می رساند، متنفر است و از آن پرهیز می کند.

### جمع‌بندی و نتیجه گیری

تربیت اخلاقی، مجموعه‌ای از اقدامات است که به منظور آموزش اصول اخلاقی و پرورش فضیلت‌های اخلاقی مطلوب اسلام صورت می گیرد. هدف اصلی تحقیق شناسایی مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) بود. در این پژوهش سه پرسش اصلی درباره تربیت اخلاقی در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) مطرح بود. در بررسی‌های عمیق کیفی از منابع پژوهش سه مبنا استنباط شد که هر مبنا بر اصول و روش‌هایی ناظر است که مورد بحث و بررسی قرار گرفت. جمع‌بندی مبانی، اصول و روش‌های مورد مطالعه حاکی است که در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) اخلاق و تربیت اخلاقی از ایمان و اعتقاد به خدا سرچشمه می گیرد. معصومین همواره در سیره تربیتی خود پرورش متریبانی را مورد توجه قرار داده‌اند که بتوانند وظیفه اخلاقی خود را در موارد گوناگون، مستقلاً یا با مراجعه به مراجع معتبر، تشخیص دهند و بدون تأثیرپذیری از موانع بیرونی و درونی به وظیفه اخلاقی خود عمل کنند؛ علاوه بر این، دقت در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) گویای این است که در این سیره، نگاه متعادل به عقل، وحی، دین، اخلاق، حسن فعلی و حسن فاعلی همواره مد نظر بوده است؛ یعنی اینکه نه این منابع کنار زده شود و نه درباره آن بزرگنمایی گردد بلکه هر کدام از آنها در حد واقعی خود به رسمیت شناخته شده؛ این نگاه است که به تربیت اخلاقی جامعیت می دهد و سیاستگذاران نظام آموزشی و فرهنگی می توانند با برنامه ریزی مطلوب خود این نگاه تربیتی را در کل نظام آموزشی و فرهنگی تسری دهند.

از این رو پیشنهاد این پژوهش برای سایر پژوهشگران به منظور عمق و غنا بخشیدن به این موضوع این است که به طور جداگانه پژوهش‌هایی در باره هر کدام از مبانی، اصول و روش‌های

تربیت اخلاقی به عمل آید تا بر اساس یافته های همخوان این پژوهشها دستمایه هایی برای تدوین الگوی تربیت اخلاقی بر اساس آموزه های تربیت اخلاقی در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) فراهم آید تا زمینه را برای تحقیق تجربی ممکن سازد.

از محدودیتهای پژوهش این بود که هرچند در استنباط مبانی تربیت اخلاقی از احادیث و روایات وارد شده از تربیت اخلاقی در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) نهایت تلاش و دقت به خرج داده شد، ممکن است در مواردی با استنباطات اندیشمندان حوزه دین کاملا یکسان نباشد که لازم است مورد توجه قرار گیرد.

#### منابع فارسی

##### قرآن کریم

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۳۸۴ق). شرح نهج البلاغه. قاهره: بی نا.
- امید، مسعود (۱۳۸۱). درآمدی بر فلسفه اخلاق از دیدگاه متفکران مسلمان معاصر ایران. ج ۱. تبریز: دانشگاه تبریز، مؤسسه تحقیقات علوم اسلامی - انسانی.
- امین، سید محسن (۱۳۷۶). سیره معصومان. ترجمه محمد باقر حجتی. ج ۲. تهران: سروش.
- الاهوانی، احمد فواد (۱۴۱۲ق). التریبه فی الاسلام. ج ۲. ج ۱. قاهره: دارالمعارف.
- باقری، خسرو (۱۳۷۹). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. ج ۴. ج ۱. تهران: انتشارات مدرسه.
- بناری، علی همت (۱۳۷۹). تربیت اخلاقی و ضرورت نگاهی دوباره به آن. ج ۲. تهران: نشر اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. ج ۸. ج ۱. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- دیلمی، حسن بن ابی الحسن (۱۴۰۸ق). ارشاد القلوب. ج ۳. قم: انتشارات شریف رضی.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۶۲). خصال. ج ۵. ج ۲. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۵). سنن النبی. ترجمه محمد هادی فقهی. تهران: دفتر نشر اسلامی.
- طبرسی، رضی الدین حسن بن فضل (۱۴۱۲ق). مکارم الاخلاق. ج ۶. قم: انتشارات شریف رضی.
- طوسی، خواجه نصیر الدین (۱۳۶۹). اخلاق ناصری. تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری. ج ۴. تهران: خوارزمی

علوان، عبدالله، ناصح (۱۴۱۲). تربیه الاولاد فی الاسلام. ج ۱. طبعه الثالثه. بی جا. بی نا.

کلینی، (۱۳۶۵). اصول کافی. ج ۸، ۴، ۲، ۱، ۶. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مازندرانی، مولی محمد صالح (۱۴۰۸ق). شرح اصول کافی. ج ۷. ج ۵. بی جا. بی نا.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق). بحارالانوار. ج ۵. ج ۱۷، ۶۸، ۷۲، ۷۴. تهران: دارالمکتب السلامیه.

محدث نوری، حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل. ج ۶. ج ۱۱، ۱۲. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.  
مدرسی، محمدرضا (۱۳۷۱). فلسفه اخلاق. ج ۲. تهران: سروش.  
مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۶۷). فلسفه اخلاق. ج ۳. تهران: انتشارات اطلاعات.

#### منابع انگلیسی

- Combs, J & Danial, R. (1991). **Philosophical Inquiry; Conceptual analysis**. In E. C. (ed). Forms Of curriculum Inquiry State university of new York press. Curriculum material of the CASE.
- Hill, B, V.(2004). Values Education in Schools: Issues and Challenges. **in Primary and Middle Years Educator**. vol. 2, issue 2.

